

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

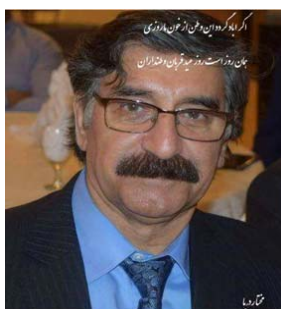
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا

۰۲ جولای ۲۰۱۹



یادی از گذشته ها

یاد آن کوچه و دالانگ تنگ
آن صدا های کهنه زری کو وووو
چرخگر آمده در کوچه ما
چاقو و قیچی و کارد و پیشقبض
چینی والا و همان چاینگ و بشقابک او
پیاله و غوری و هم کاسه جانانک او
پتره گر از طرف کوچه صدا کرده بلند
باز جان مامد خرکار آمد
که همه کوچه ره مردار کند
از سر کوچه صدا می آید
چوری بپوشا چوری ی ی ی
زن همسایه و چند دخترک نلغه او
پیش او رفته که چوری بخرند
در همین وقت صدای دگری غور ترک
خونکش آمد خونکش آمد خون پارساله بریز

حاجی عبدل سر کلکین سراچه ایستاد
گفت بیا بالا و گمانم پرسید
کدوگک میشانی؟
از سر کوچه صدای دگری گشت بلند
نداف کار داری نداف
پیش دوکان خلیفه جانو
زیر آن سایه گلو آمده است
مسگر منطقه کارش چوک است
از سر کوچه و تا آخر آن
دیگ و غوری و سماوار و لگن افتاوه (افتابه)
همه تلمبار شده
جانعلی با دوسه تا تکه منجی و ریگ
داخل دیگ چه خوب میرقص
یک دوتا لنگی دار
با دوتا سطل کلان ریسمان در کمرش
دم هر خانه صدا می کردند
چاه صاف چاه صاف کاردارین
همگی یکباره
طرف کوچه دویدند که خیر و آمد
سوسنی بانجانش، ملی و سبزی پالک با زردک
تازه از چهاردهی آورده
همگی در غم جان
کله ونگ اند و کسی نیست بگوید کاکا
تو کی هستی؟
تو هزاره تاجک یا تو پشتون و بلوچ و ترکمن
ازبک و پشه ئی و نوری و یا ایماقی
همه چون یک تن و جان
پای بیگانه در آن جای نبود
لیک افسوس که برباد برفت
آنهمه حرمت و اخلاص و محبت صد حیف
حیف صد حیف که بیگانه به ما رحم نکرد
حیف صدحیف دوصد حیف و هزاران افسوس
"مختار دریا" کانادا